

نقش همیاری اجتماعی در آماده‌سازی جامعه منتظر از دیدگاه امام موسی صدر

انتظار مثبت و جامعه آماده



امید هراتی اصل
دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

انتظار از جمله مفاهیمی است که نقشی اساسی در فرهنگ سیاسی و اجتماعی تشیع ایفا کرده است. امام موسی صدر انتظار را از دریچه‌ای اجتماعی نگاه می‌کند و از آنجا که به «انتظار مثبت» باور دارد، این مفهوم را دربردارنده امید و پویایی می‌داند. امید از آن جهت که نویدبخش آینده‌ای بهتر است و همواره درطول تاریخ همه ادیان، تحمل سختی‌ها را بر آنان آسان ساخته و گذر تاریخی را برای آنان هموار کرده است. از این جهت مفهوم انتظار دربردارنده یک نگاه تقریبی میان تمامی ادیان است، بر مشترکات آنان تأکید می‌کند و نیز از آن جهت که با دادن امید به آحاد مردم، آنان را برای تغییر مستمر درجهت بهتر شدن آماده می‌کند تا کیدی بر پویایی هم دارد. درواقع تمامی افراد جامعه باید با همه ظرفیت‌های مادی، فکری و معنوی خود زمینه‌های آماده‌سازی ظهور را فراهم کنند. درنتیجه باید قبل از ظهور به «جامعه آماده» دست پیدا کنیم که این امر نیز مستلزم همیاری اجتماعی همه مردم با یکدیگر است؛ همیاری‌ای که تمامی موانع اقتصادی، اجتماعی و

پایداری جوامع را ایجاد کند. امید به آینده موجب می‌شود همه افراد تمام‌تلاش خود را برای تغییر وضع موجود انجام دهند و روزه‌روز به دستیابی به جامعه متعالی و «مدینه فاضله»‌ای که آرمان تمام ادیان بوده است، نزدیک شوند و هیچ‌گاه تسلیم وضع موجود نشوند. گرچه برخی سختی‌ها و مشکلات جزئی ممکن است در این مسیر فرد منتظر را دل‌سرد کند، ولی این احساس یأس که گاهی اوقات با لغزش‌هایی همراه است، موقتی است، زیرا احساس یأس دائمی یعنی تسلیم وضع موجود شدن و جمود، که نتیجه آن جز مرگ و تباهی نیست. بنابراین فرد منتظر تا به بهترین شرایط تاریخی و جامعه متعالی و رو به تکامل نرسد، دست از تلاش برنمی‌دارد که همه این تلاش‌ها نتیجه امید به آینده است. درواقع «امید است که ما را حفظ کرده و زنده نگه داشته و امید است که میان ما و آینده راهی باز کرده است، امید خود از این عقیده (انتظار) سرچشمه می‌گیرد و نتیجه تربیتی انتظار فرج و گشایش است.»

همیاری اجتماعی راهی برای ایجاد جامعه منتظر و آماده

برای احیای «جامعه آماده» بر همیاری اجتماعی میان تمامی افراد جامعه تأکید شده است، زیرا «ارتقای زندگی اجتماعی مردم» با کمک و مشارکت فعال همه اعضای جامعه محقق خواهد شد و امام موسی صدر می‌پرسد که آیا تمهید شرایط ظهور تنها به‌دست حضرت مهدی (عج) روی می‌دهد و صرفاً برعهده ایشان است؟ و این‌گونه پاسخ می‌دهد: «طبیعتاً نه. ما نیز باید همکاری و همیاری کنیم» و برای احیای «جامعه آماده» نقش خود را ایفا کنیم. درواقع انتظار معنایی کاملاً اجتماعی برای وی دارد و این‌گونه تعریف می‌شود: «انتظار یعنی آمادگی، بسیج شدن، آموزش و آمادگی روحی و روانی و فکری و معنوی و جسمی و نیز آمادگی تکنولوژیک و نظامی» که تحقق این امور فقط با همیاری در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محقق خواهد شد. همیاری اجتماعی یعنی اینکه همه مردم احساس مسئولیت کنند و در فرآیند تصمیم‌گیری و رفع نیازهای مادی و معنوی جامعه باهم هم‌صدا شوند. از دیدگاه امام موسی صدر احیای «جامعه آماده» از طریق «فعالیت مستقیم یعنی اصلاحاتی که خود می‌توانیم در پی آنها باشیم» و برای تحقق‌شان تلاش کنیم، ایجاد می‌شود. این اصلاحاتی که از طریق همیاری اجتماعی خود مردم صورت می‌پذیرد موجب توانمندسازی اقتصاد خانواده‌ها و بهبود وضع معیشتی مردم خواهد شد و درنتیجه افراد دیگر دغدغه تأمین معاش و نیازهای اولیه زندگی را نخواهند داشت و این موجب خواهد شد که افراد تمرکز خود را روی تقویت بعد اخلاقی و معنوی جامعه خود بگذارند و زمینه‌ساز احیای «جامعه آماده» شوند.

ایجاد تشکیلات راهی برای همیاری اجتماعی میان مردم و احیای جامعه آماده

«جامعه آماده» قبل از ظهور محقق نخواهد شد، مگر اینکه مردم در قالب تشکیلات به همیاری در حوزه‌های اجتماعی میان خود اهتمام ورزند و از فردگرایی پرهیز کنند. امام موسی صدر برای از میان بردن «عقب‌ماندگی‌های رایج اجتماعی» بر نقش تعامل سازنده و همیاری اجتماعی همه مردم با یکدیگر تأکید کرده است. درواقع برای اینکه این همیاری اجتماعی صورت بپذیرد نیاز به ایجاد تشکیلات بسیار منظمی است، که به‌عنوان یک مرکزیت، ارتباط میان آحاد مردم را میسر سازد. این مرکزیت و کانون باید هدف



پیشنهادهایی برای اهالی علوم انسانی

کرونا ویروس؛ فرصتی برای خانه‌تکانی در علوم انسانی

بنابراین نگاه کل‌گرایانه یک متخصص حوزه علوم انسانی می‌تواند این موضوع را عمیقاً واکاوی کند. در حوزه دین و فلسفه دین، مسأله شر بودن کرونا و نیز کشیدن این موضوع به مباحث الهیاتی از کارهایی است که اهالی این حوزه باید به آن بپردازند. در حوزه فلسفه به‌عنوان بنیادی‌ترین علوم که به امور بنیادی می‌پردازد، کرونا، نه صرفاً به‌مثابه شر- بلکه به گفته یکی از اساتید پیشکسوت فلسفه ما جناب آقای دکتر محمود نوالی- نوعی «موت اصغر» است که ما را از نزدیک‌ترین وعزیزترین افراد پیرامون مان منع کرده و حتی انجام برخی امور ساده روزمره ما را از ما دریغ داشته است و ما در یک لختی و بی‌قراری و بی‌تصمیمی جدی قرار می‌دهد. مرگ‌اندیشی و مرگ‌آگاهی در سابه کرونا در کسوت واژگانی تازه ایجاب می‌کند که مسأله مرگ‌رادر فلسفه فیلسوفانی مثل هایدگر، سارتر، لویناس و دریدا از نو بیندیشیم. در الهیات و کلام و به‌طور کلی در دین، به‌نظر می‌رسد که باید بین شر طبیعی و انواع شر و ویژگی‌های هر کدام از آنها از نودست به تعریف بزنیم. بنابراین در حوزه فلسفه اخلاق، مسأله کرونا و بحران آن بسیاری از مباحث اخلاقی را نیازمند بازتعریف می‌کند. امروز بخشش، امید، احسان، اراده خیر و مفاهمی از این قبیل

در حوزه اخلاق و فلسفه اخلاق در سایه بحران کرونا مصادیق متفاوتی دارند و این تفاوت چیزی است که نگاه نظری فلسفه اخلاق آن را باید مورد تحلیل و ارزیابی جدید قرار دهد. پرواضح است که کرونا در جهان مشترک ما (نقطه‌ای ایران) یک جنگ به‌راه انداخته است که مخاطب آن فقط کشورهای پیشرفته غربی یا کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا فقیر نیست؛ بلکه کلیت جهان و به‌طور کلی نوع بشر را در مخاطره قرار داده است. بنابراین، همه ما یک دشمن واحد داریم، همه ما در جبهه قرار داریم و این اولین بار است که جهان و جهانیان در یک صف واحد قرار گرفته‌اند. آیا اکنون در میانه یک‌تاری Covid-19، می‌توان از امپریالیسم، کمونیسم، سوسیالیسم، کاپیتالیسم و بسیاری از اسیسم‌های دیگر سخن گفت و این صف واحد را شکست و به این اسیسم‌ها اختصاص داد؟ تحلیل‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل گفتمان کرونایی خودشان را ایجاب می‌کنند؛ گفتمانی که دیگر با گفتمان پیشین نمی‌تواند هم‌سین باشد. این امر تلخ و نگران‌کننده است ولی امکانی تبدیل نیست؛ درحقیقت چون این چیزی است که همه با آن

به‌مثابه یک معضل جامعه‌مشترک انسانی مواجهیم و تنها سلاح ما برای مبارزه با این غول مرگبار نامرئی، اراده خیر همگانی در همکاری همگانی است. به‌نظر می‌رسد این رخداد مفهوم کانتی «اراده نیک مطلقاً نیک است» را در تاریخ بشر در لحظه کنونی به اثبات می‌رساند، چه در این اراده نیک همگانی، در مبارزه با این ویروس، همه در اردوی واحد قرار گرفته‌ایم. امر مطلق کانتی می‌گوید چنان رفتار کن که رفتار تو بتواند به‌عنوان مبنای یک قانون کلی و همگانی رفتار همه آدمیان تبدیل شود. مراقبت بهداشتی از خود در این روزها مصداق تحقق یافته برای این اصل کانتی است. به‌روروی، این فرصتی مغتنم است برای علوم انسانی و رشته‌های مختلف آن که در مفاهم، نظریه‌ها، واژگان و گفتمان‌های خود دست به یک خانه‌تکانی نظری بزنند.

محمد اصغری
دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

وقتی ویروس کرونا (Covid-19) اولین بار در ووهان چین شیوع پیدا کرد و خبر این شیوع در رسانه‌های جهان به‌سرعت بازتاب جهانی یافت و درباره امکان سرایت این بیماری به کل جهان هشدار داده شد. طولی نکشید که این خطر به‌وقوع پیوست و سرعت شیوع آن بسیار زیاد شد و اکنون که این مطالب را می‌نویسم به‌صورت پاندمیک تمام کشورهای جهان را دربر گرفته و تقریباً در همه کشورها این ویروس مرگبار پیشروی می‌کند. این نکته را در نظر بگیرید که امروز جهان به لطف تکنولوژی و ارتباطات پیشرفته دیگر حتی یک «دهکده جهانی» هم نیست بلکه «یک خانه» است. طبیعی است که وقتی افراد در این خانه با هم در ارتباط هستند، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از یکدیگر به‌سرعت صورت می‌گیرد. ویروس کرونا به سرتاسر جهان سفر می‌کند، میلیون‌ها انسان را مبتلا کرده و هزاران نفر را به کام مرگ می‌فرستد.

دولت‌ها تقریباً با شیوه‌ها و روش‌های مختلف به جنگ این ویروس رفته‌اند اما در این میسان، ظهور اخبار جعلی درباره ویروس فضای اینترنتی و تأثیر آن بر رفتار مردم در کشورهای مختلف جهان به گفته فیلسوفانی مثل ژیزک گونه‌ای «ویروس ایدئولوژیک» است. در این فضای مجازی این غول‌های بزرگ جهانی هستند که سمت‌وسوی اندیشیدن به این بحران را تا حد زیادی تغییر می‌دهند.

اما در این میان علوم انسانی که موضوع آن همین انسان عادی است- یعنی همین انسان‌های معمولی که در داخل این توفان بحران ناشی از کرونا جان‌شان را از دست می‌دهند- چگونه می‌تواند با «ظرفیات و روایات کلان مدرن» و حتی «روایت خرد پیست‌مدرن» خود به تحلیل این بحران بپردازد؟ در اینجا قصد ندارم یک نظریه منسجم و شسته‌رفته ارائه دهم تا بگویم که علوم انسانی با فلان وپهمان تئوری قادر است مثلاً در جامعه‌شناسی یا در شاخه‌های دیگر علوم انسانی به تحلیل این موضوع بپردازد. هدف این است که اهالی علوم انسانی در مواجهه با چنین بحران جهانی‌ای در وهله اول در باورها و نظریه‌ها و مهم‌تر از همه در روایات‌های

کلان خود بازنگری اساسی کنند. برای مثال آیا مفهوم «همستگی اجتماعی» که از مفاهیم مهم در حوزه جامعه‌شناسی است، می‌تواند در چنین بحرانی معنایی ایجابی داشته باشد؟ در حوزه علوم روانشناسی و شاخه‌های مختلف آن مفهوم «انزوای جمعی» و «انزوای اجتماعی» و «مسأله خشونت در خانه» و امثالهم در بحران کرونا نیازمند آن است که تحلیل این پدیده‌های فراگیر و عمومی، باشیوه‌تحلیل متناسب با این وضعیت، صورت گیرد. به‌سخن دیگر، در تحلیل مسائل مربوط به اضطراب و انزوای فردی و جمعی، فاصله‌طبقاتی و شکاف غنی و فقیر نمی‌تواند به‌عنوان علل یا انگیزه‌ها تلقی شود بلکه نوعی «روح نگران جهانی» در میانه این بحران، خود علت بسیاری از مسائل انسانی است و هم‌خود معلول این بحران بوده

در میان شیوع و همه‌گیری این بیماری علوم انسانی که موضوع آن همین انسان عادی است- یعنی همین انسان‌های معمولی که در داخل این توفان بحران ناشی از کرونا جان‌شان را از دست می‌دهند- چگونه می‌تواند با «ظرفیات و روایات کلان مدرن» و حتی «روایت خرد پیست‌مدرن» خود به تحلیل این بحران بپردازد؟ اهالی علوم انسانی در مواجهه با چنین بحران جهانی‌ای در وهله اول در باورهای و نظریه‌ها و مهم‌تر از همه در روایات‌های کلان خود بازنگری اساسی کنند

